

یادمان رزالوگزامبورگ و کارل لیبکنشت امسال با خواست های روز سیاسی آمیخته می شود



مصاحبه با:

Jasper Oelze و Paul Meißner

Claudia Wangerin

برگردان ناهید جعفرپور

پرسش: شما برای یادمان رزا لوگزامبورگ/لیبکنشت برای یکشنبه آینده تظاهراتی را فراخوانده اید. بنظر شما کدام یک از خواست های سیاسی امروز مهمترین می باشند؟

جاسپر: هدف اصلی گروه اشپارتاکوس این بود که جنگ را خاتمه دهد. این مسئله بزرگترین ارثیه رزالوگزامبورگ و لیبکنشت بود و این پرسش یعنی جنگ و صلح امروز در مرحله نخست قرار دارد. ارتش آلمان در افغانستان مستقر است و جنگی بر علیه ایران می تواند خیلی سریع اتفاق بیافتد.

مایسنر: من هم بعنوان فعال ضد جنگ همین نظر را دارم زیرا که من بیکاری و سردی اجتماعی را در اطراف خودم تجربه کرده ام و انسانهایی را که به آن دچار هستند می شناسم.

پرسش: در ضمیر آگاه مردم آلمان انهدام خدمات اجتماعی و ترس از موجودیت اقتصادی نقش بزرگی را بازی می کند: برای مثال جنگ در افغانستان. چپ ها چگونه می توانند مردم بیشتری را در تظاهرات بسیج نمایند؟

مایسنر: چپ ها پاسخ های روشن برای مشکلات اجتماعی دارند اما بخشها در این موقعیت قرار ندارند که این مشکلات را بطور روشن فرموله کنند. اگر کسی از من بپرسد که چرا باید به این تظاهرات بروم؟ من خواهم گفت که هر کسی از این حق پایه ای برخوردار است که برای مسئله ای که برایش مهم است اعتراض نماید. موضوعی را که ما مطرح می کنیم مسئله ای است که به هر کسی ربط پیدا می کند. غالباً آدمهایی در این تظاهرات شرکت نمی کنند که نه در انتخابات شرکت می کنند و نه معمولاً در تظاهرات ها شرکت می کنند.

پرسش: عکس این مسئله هم وجود دارد یعنی انسانهایی که سیاسی فکر می کنند و در تظاهرات ها شرکت می کنند اما آگاهانه به انتخابات نمی روند زیرا که احساس می کنند هیچ حزبی نماینده آنها نیست. نظر شما چیست؟

مایسنر: اینکه احزاب در این فاصله همه در یک مسیر حرکت می کنند را من رد نمی کنم. اما هنوز هم تفاوت های اساسی وجود دارد. در انتخابات شرکت نکردن تنها به حزبی کمک خواهد نمود که ما کمتر از همه طالب آن هستیم. برای من نتیجه یک انتخابات که همه کسانی که حق رای دارند در آن شرکت می کنند مهم است. اما طبیعتاً انتخابات تنها کافی نیست. اگر انسان بخواهد تغییرات به وجود آورد فشار از خیابان هم بسیار مهم است. شاید بنظر عجیب بیاید اما بنظر من کسی که مبارزه می کند می تواند بیازد اما کسی که مبارزه نمی کند از همان اول باخت است و تم هائی که مطرح می کنیم تم هائی است که به عموم ربط دارد. این تظاهرات تنها یک تظاهرات ضد جنگ نیست بلکه همچنین تظاهراتی است بر علیه دشمنی با بیگانه و برای حق پناهندگی و بر علیه بیکاری و بر علیه به حاشیه پرتاب کردن انسانها. مهم این است که انسان خود را تحت تاثیر آدمی مثل سارازین قرار ندهد و بی تفاوتی که این انسانها از کجا می آیند تلاش کند با تمامی انسانها کنار بیاید. در واقع این خود اساس زندگی مشترک است. در غیر این صورت احتیاجی نیست که در باره جوامع موازی تعجب نمود.

جاسپر: برای مثال در این تظاهرات گروه های چپ ترک هم همراه ما هستند. بیش از 300 انسان و سازمان تا کنون فراخوان تظاهرات را امضا نموده اند. همه نسل ها در این تظاهرات وجود دارند. مثل گروه های انتفازه جوان تا نسل من. این تظاهرات محلی است برای اینکه چپ ها در باره پرسش های اساسی با هم تبادل نظر نمایند. روز قبل از تظاهرات کنفرانس رزالوگزامبورگ در اورانیا برگزار می گردد.

مایسنر: کارل و رزا نشانه تغییرات در آلمان می باشند. برای آلمانی دیگر که عدالت اجتماعی و صلح در آن وجود دارد. از این روی کشتن این دو تن غیر منتظره نبود.

جاسپر: این مبارزات انقلابی چپ عکس العمل خار در چشم بودند. " رهبران شان را بکشید" شعار تهیج کننده بر علیه رزا و کارل بود و هردوی آنها در ژانویه 1919 بقتل رسیدند.

پرسش: رهبریت سوسیال دمکرات ها از این مسئله پشتیبانی نمودند.

جاسپر: کارل و رزا توسط سوسیال دمکرات ها بقتل نرسیدند. بسیاری از اعضای آنها وقتی از این قتل آگاه شدند گریه کردند.

پرسش: شما خودتان چگونه به سوسیال دمکرات ها پیوستید؟

جاسپر: 1945 من هنوز 18 سالم نبود و از زندان آزاد شدم با این انگیزه که " هرگز فاشیسم، هرگز جنگ" نباشد. من آنزمان طبق سنت عضو سوسیال دمکرات ها شدم. خانه پدریم همه سوسیال دمکرات بودند. مادرم بعد می خواست عضو حزب کمونیست بشود. اما در دفتر حزب کمونیست در وانس لبن به او گفته شد " در حزب سوسیال دمکرات باقی بمان. ما می خواهیم از تاریخ درس بگیریم. ما می خواهیم متحد بشویم. این یک پیمان از بوخن والد است. کسانی که در زندانها بودند این پیمان را با هم بستند".

پرسش: رهبران سوسیال دمکرات امروز از یک اتحاد اجباری صحبت می کنند. بنظر شما در آنزمان مقاومت ها تا چه اندازه شدت داشتند؟

جاسپر: روند اتحاد برای من که 18 سالم بود مسئله ای مشکل بود. اکثریت آماده بودند این قدم را بردارند. اما من بعنوان جوان ترین فرد گروه محل خودم تا نیمه شب با سوسیال دمکرات های 40 یا 50 و 60 ساله بحث می کردم. کسانی که غالبا در مقابل کمونیست ها محتاط بودند. یک کمونیست قدیمی که در نزدیکی ما زندگی می کرد و مدتی طولانی در مقر های آدم سوزی بسر برده بود با من رابطه برقرار نمود و طرح بحث هائی را برای من آماده نمود. سپس ما با مسئله ای روبرو شدیم که اصلا انتظار نداشتیم: صندوق دار اصلی سوسیال دمکرات ها کمی قبل از اتحاد با پسرش و صندوق پول به آلمان غربی فرار نمود.

پرسش: فرق این تظاهرات با تظاهرات های آنزمانی آلمان شرقی در کجاست؟

جاسپر: من در تمامی تظاهرات های آنزمانی آلمان شرقی شرکت نمودم. آنزمان من اصلا خوشم نمی آمد که در محل یادبود رزا و کارل می بایست از کنار اعضا و دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب " اس ای د " بگذریم و اینکه آنها جلوی کسانی را سد کرده بودند که ما در واقع رفته بودیم تا از آنها قدردانی کنیم و به آنها احترام بگذاریم. مردم به آنها دست تکان می دادند در حالی که ما می خواستیم در مرحله نخست به کارل و رزا احترام بگذاریم و نه به کمیته مرکزی حزب. در یکی از آن تظاهرات ها من نوه ام را در بغل داشتم او در آنزمان خیلی خردسال بود و می خواست که من او را به توالت ببرم. از این روی من مجبور شدم برای کمی از تظاهرات بیرون بروم - اما دیگر بعد از بازگشت نگذاشتند وارد تظاهرات بشوم و گفته شد برای محافظت از کمیته مرکزی کسی که خارج شد حق ندارد دوباره وارد تظاهرات شود. این حفاظت که کاملا دگماتیک بود برای من دیگر با اساس تظاهرات رابطه ای نداشت و به این دلیل با نوه ام به خانه برگشتم و تظاهرات برای من دیگر تمام شده بود.

مایسنر: البته نباید بیش از حد به این مسئله پرداخت. بلکه مسلما ناراحت کننده بود اما از

سوئی هم نیاز به برقراری امنیت هم قابل قبول بود. ما نباید شرایط آنزمان را در جنگ سرد فراموش کنیم.

جاسپر: بله این بخشی از مسئله بود و مسلماً این مسئله باعث نشد که من دیگر به تظاهرات ها نروم و همواره در تظاهرات های دیگر شرکت نمودم.

پرسش: در سال 1990 در حدود صد هزار انسان در تظاهرات شرکت نمودند و با وجود این که آلمان شرقی در حال انحلال بود و دیگر کسی وظیفه ای اجتماعی از بالا دستور گرفته شده را نداشت اما این تعداد انسان در تظاهرات شرکت نمودند آیا شما هم از شرکت این همه انسان متعجب بودید؟

جاسپر: این تظاهرات نشان داد که برخی از روی اعتقاد صادقانه شرکت نموده بودند و علاقه سیاسی آنزمان بسیار زیاد بود زیرا کسی دیگر نمی دانست که چگونه باید ادامه داد. من خودم آنزمان هم برای اهداف همیشگی ام و برای ایده های پایه ای کمونیستی ام و برای حفظ صلح تظاهرات نمودم. آلمان شرقی کوچک نقش بزرگی در حفظ صلح بازی نمود. برای من این مسئله تغییری ضد انقلابی بود البته این تنها بخاطر عملیات نظامی آلمان نبود زیرا که دیدیم که بعد ها این مسئله در آلمان امری کاملاً عادی شد.